



# نامه مهر

ترجمه نامه های ۳۱ و ۴۷

محمد بارونی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# نامه‌ی مهر

ترجمه‌ی نامه‌ی ۳۱ و ۴۷ نهج البلاغه

محمد بارونی



۱۳۹۸



## فهرست مطالب

۷	سخن آغازین
۱۱	بخش اول:
۱۲	انسان و حوادث روزگار
۱۲	توجه به فرزند
۱۳	مراحل خودسازی
۱۴	اخلاق اجتماعی
۱۵	شتاب در تربیت فرزند
۱۷	روش تربیت فرزند
۱۹	ضرورت توجه به معنویات
۲۱	ضرورت آخرت گرایی
۲۲	معیارهای روابط اجتماعی
۲۳	تلاش در جمع آوری زاد و توشه
۲۴	نشانه‌های رحمت الهی
۲۶	شرایط اجابت دعا
۲۷	ضرورت یاد مرگ
۲۸	شناخت دنیاپرستان
۲۹	ضرورت واقع نگری در زندگی
۳۲	حقوق دوستان
۳۴	ارزش‌های اخلاقی
۳۶	جایگاه زن و فرهنگ پرهیز
۳۷	کلام آخر
۳۹	بخش دوم
۴۰	وصیت امام علی (ع) به فرزندان‌ش امام حسن (ع) و امام حسین (ع)
۴۳	بخش سوم
۴۴	سؤال مسابقه
۴۶	منابع و مأخذ

## سخن آغازین

حمد و سپاس بی‌پایان شایسته خداوندی است که، لباس هستی بر اندام ما بپوشانید، و ما را به انواع نعمت‌ها متنعم گردانید، و اشرف پیامبران را برای هدایت ما برگزید، و برترین اوصیا را برای رهبری امت اسلامی تعیین نمود، و با کردار شایسته و گفتار حکیمانه و بلیغ ایشان، راه حق را آشکار ساخت.

درود بر آخرین پیامبر رحمت، حضرت محمد(ص) و اهل بیت پاکش(ع)، به ویژه جانشین او حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) که حق و رستگاری، بر محور وجود پاکش، دائم در گردش است.

آری، گفته‌ها و نوشته‌ها درباره‌ی کتاب ماندگار نهج‌البلاغه، به اندازه‌ای فراوان و گسترده است که از حد شمارش بیرون است. در طول قرن‌های متمادی، انسان‌های زیادی به فراخور درک و دریافته‌شان، در این باره سخن گفته و قلم زده و مطلب ارزشمند و آموزنده‌ای آورده‌اند، که هر کدام به نوبه خود مفید می‌باشند.

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «لَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَىٰ بَابِهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ»  
من شهر علم هستم و علی دروازه آن است، پس هر که می‌خواهد دانش بجوید، باید از آن دروازه وارد شود.»

امام علی (ع) می‌فرماید: «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي؛ فَلَا تَأْتِي السَّمَاءُ أَعْلَمُ مِنِّي بِطُرُقِ الْأَرْضِ». ای مردم از من بپرسید، پیش از آن که مرا نیابید، که من به راه‌های آسمان، داناتر از راه‌های زمین هستم.»

نهج‌البلاغه دریای بیکرانی از معارف الهی است که نهلیت و پلینانی ندارد. این کتاب مجموعه اسرارآمیزی است که چه بسیار انسان‌های متفکر و بزرگ را در برابر عظمتش به خضوع و اقرار به عجز و ناتوانی واداشته است. چرا که کلام و پیام نهج‌البلاغه، حکمت محض و حجت قطعی بر مردم است و بر همه لازم است که با دقت در آن بنگرند و آموزه‌هایش را در حد امکان فرا بگیرند و سرلوحه برنامه زندگی خود قرار دهند، زیرا سلامت و عزت فرد و جامعه، و سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها در گرو عمل به راهنمایی‌ها و دستورهای برگرفته از منابع وحی و معادن حکمت است و نهج‌البلاغه پس از قرآن کریم، بارزترین و شیواترین آن منابع و گل سرسید آن‌هاست.

آنچه که پیش روی شما خوانندگان عزیز می‌باشد، ترجمه‌ی نامه‌ی ۳۱ و ۴۷ نهج‌البلاغه است. حضرت علی(ع) در این نامه‌ها، توصیه‌های بسیار ارزشمند و گرانبهایی، به فرزنداناش نموده است. عمل کردن به این سفارش‌ها و توصیه‌ها به اندازه‌ای مفید است که می‌تواند دنیا و آخرت همه ما را تضمین نماید و جویندگان طریق خوشبختی راه، در مسیری هدایت نماید، که پایانش رضایت و خشنودی حضرت دوست و پروردگار هر دو جهان باشد.

در تهیه این مطلب، از ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی، علامه محمدتقی جعفری، محمد دشتی، مصطفی زمانی و محمد مهدی فولادوند استفاده شده است.

انتظار می‌رود والدین محترم، مسئولان آموزشی و پرورشی مدارس، پایگاه‌های بسیج مساجد، و مؤسسات فرهنگی و تربیتی، با معرفی این نامه‌های ارزشمند،

به نوردیدگان خود، دانش‌آموزان عزیز، اعضای فعال پایگاه‌های مقاومت و سایر مردم مؤمن جامعه اسلامی، بستر و زمینه مناسب، برای آشنایی همه افراد با مفاهیم ارزشمند و کلام راستین حضرت امیرالمؤمنین(ع) فراهم آورند. از خداوند متعال برای همه عزیزان، خیر دنیا و آخرت آرزو می‌شود.

محمد بارونی - پاییز ۱۳۹۸



## بخش اول

نامه‌ی امام علی (ع) به فرزندش امام حسن (ع)

(ترجمه‌ی نامه‌ی ۳۱ نهج البلاغه)

## -انسان و حوادث روزگار

این نامه از سوی پدری - دلسوز و مهربان - است، که عمرش رو به پایان می‌باشد، به سخت‌گیری زمان و گذشت روزگار اعتراف دارد، آفتاب زندگی‌اش رو به غروب است و تسلیم گذشت دنیا و مشکلات آن می‌باشد. پدری که در منزلگاه و سرای پیشینیان که از دنیا چشم پوشیده‌اند، سکنی گزیده و به زودی از آن کوچ خواهد کرد.

به فرزندی آرزومند، آرزومند چیزهایی که هرگز دست‌یافتنی نیستند و در راهی گام نهاده است که دیگران در آن راه گام نهادند و چشم از جهان فرو بستند. کسی که هدف بیماری‌ها، گروگان روزگار، در تیررس مصائب، بنده و گرفتار دنیا، سوداگر غرور، بدهکار و اسیر مرگ، هم‌پیمان و همنشین اندوه‌ها، قرین و همسر غم‌ها، آماج آفت‌ها و بلاها، مغلوب خواهش‌های نفس و جانشین مردگان است.

### - توجه به فرزند

پس از ستایش پروردگار جهان، همانا من از پشت کردن و بی‌اعتنایی دنیا به خود و چیره شدن روزگار بر خود و روی آوردن آخرت به سوی خود، دریافتم که باید به فکر خویش باشم و از یاد دیگران منصرف گردم و از توجه به آنچه پشت سر می‌گذارم، باز ایستم و هر چند غمخوار مردم هستم، غم خود نیز بخورم. پس

این غمخواری خود، مرا از خواهش‌های نفس باز داشت و حقیقتِ سرنوشتم را برای من روشن ساخت و به کوشش و تلاش وادارم ساخت، کوششی که سراسر جدی است و شوخی در آن راه ندارد و سراسر راستی است و دروغی به آن آمیخته نیست و چون تو را جزیی از وجود خود، بلکه تمام وجود خودم یافتم، به گونه‌ای که اگر آسیبی به تو رسد، به من رسیده و اگر مرگ دامنانت را بگیرد، دامن مرا گرفته است، به این جهت کار تو را چون کار خود دانستم، و این نامه را برای تو نوشتم، تا تکیه‌گاه و پشتیبان تو باشد، خواه من زنده باشم یا نباشم.

### - مراحل خودسازی

پسرم! تو را به تقوای الهی و اطاعت از فرمانش، و آبادکردن قلب و روح با ذکرش، و چنگ‌زدن به ریسمان لطف و عنایتش، سفارش می‌کنم. به راستی کدام وسیله می‌تواند میان تو و خداوند، مطمئن‌تر از «حبل‌الله» باشد؟ اگر به آن چنگ زنی و دامن آن را بگیری.

پسرم! قلب خویش را با موعظه زنده کن و هوای نفس را با زهد و بی‌اعتنایی به زرق و برق دنیا بمیران. دل را با یقین نیرومند ساز و با حکمت و دانش نورانی گردان و با یاد مرگ رام نما و آن را به اقرار به فنای دنیا وادار کن، با نشان دادن فجایع دنیا، قلبت را بینا

کن و از هجوم حوادث روزگار و ناگواری‌های گردش شب و روز آن را برحذر دار.

اخبار گذشتگان را بر نفس خود عرضه نما و مصایب و حوادثی را که به ملت‌های گذشته رسیده است، به او یادآوری کن. در سرزمین‌ها و آثار ویران شده آن‌ها گردش نما و درست بنگر آن‌ها چه کرده‌اند، از کجا آمدند و در کجا سکونت کردند؟ هرگاه در وضع آن‌ها بنگری خواهی دید که آنان از میان دوستان خود خارج شدند و در دیار غربت بار انداختند. گویا طولی نمی‌کشد که تو هم یکی از آن‌ها خواهی شد و در همان مسیر به سوی آن‌ها خواهی شتافت. بنابراین منزلگاه آینده و جایگاه ابدی خود را اصلاح کن و آخرت را به دنیا بفروش.

درباره‌ی مطلبی که نمی‌دانی سخن نگو و نسبت به آنچه موظف نیستی دخالت نکن. در مسیری که ترس گمراهی در آن است قدم نگذار، چه اینکه خودداری به هنگام بیم از گمراهی، بهتر از آن است که انسان خود را به مسیرهای خطرناک بیفکند.

### – اخلاق اجتماعی

به نیکی‌ها و خوبی‌های امر کن تا اهل آن باشی و با دست و زبان با زشتی‌ها و بدی‌ها مخالفت نما و از کسی که کار بد انجام می‌دهد با جدیت دوری گزین. در راه خدا آن‌گونه که شایسته است جهاد کن

و هرگز سرزنشِ سرزنش‌گران، تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد. در دریای مشکلات هر جا که باشد برای رسیدن به حق شنا کن. حقایق دین را به‌طور کامل فراگیر و خود را بر استقامت در برابر مشکلات عادت بده، که استقامت و شکیبایی در راه حق، اخلاقی بسیار نیکو است.

در تمام کارها، خود را به خدا بسپار و به او پناه ببر، که اگر چنین کنی خود را به پناهگاهی مطمئن و نیرومند سپرده‌ای. به هنگام دعا، پروردگارت را با اخلاص بخوان و تنها دست به دامن لطف و مهر او بزن، چرا که بخشش و حرمان و بهره‌مند کردن و بی‌بهره گذاشتن، همه به دست اوست و بسیار از خدا بخواه که خیر و نیکی را برایت فراهم سازد.

به سفارش من به خوبی گوش کن و به سادگی از آن نگذر، زیرا بهترین سخن، سخنی است که سودمند باشد. و دانشی که نفعی نبخشد، در آن خیری نیست و دانشی که سزاوار فراگرفتن نمی‌باشد، سودی ندارد.

### – شتاب در تربیت فرزند

پسرم! هنگامی که دیدم سن من بالا رفته و تواناییم به سستی گراییده، به نوشتن این وصیت برای تو مبادرت ورزیدم و نکات ارزشمندی برای تو بیان کردم، تا مبادا مرگم فرا رسد، در حالی که

آنچه را در درون داشته‌ام بیان نکرده باشم و به همین دلیل پیش از آن که در رأی و فکرم نقصانی حاصل شود، آن گونه که در جسمم - بر اثر گذشت زمان - به وجود آمده و پیش از آن که هوا و هوس و فتنه‌های دنیا بر تو هجوم آورد و هم‌چون مَرکبی سرکش شوی، به تعلیم و تربیت تو مبادرت کردم و از آن جا که قلب جوان هم‌چون زمین خالی و کاشته نشده است و هر بذری در آن پاشیده شود، آن را می‌پذیرد، پیش از آن که قلبت سخت شود و فکرت به امور دیگر مشغول گردد، گفتنی‌ها را گفتم. همه‌ی این‌ها برای آن است که با تصمیم جدی به استقبال اموری بشتابی که اندیشمندان و صاحبان تجربه، تو را از جستجوی آن بی‌نیاز ساخته و زحمت آزمون آن را کشیده‌اند، تا نیازمند به طلب و جستجو نباشی و از تلاش بیشتر آسوده خاطر گردی، بنابراین آن چه از تجربیات نصیب ما شده، نصیب تو هم خواهد شد، بی‌آن که زحمتی کشیده باشی، بلکه شاید پاره‌ای از آن چه بر ما مخفی شده - با گذشت زمان و تجربه بیشتر - بر تو روشن گردد.

پسرم! درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، ولی در رفتار آن‌ها نظر افکندم و در اخبارشان تفکر نمودم و در آثار بازمانده از آنان به سیر و سیاحت پرداختم. تا بدان جا که - بر اثر این آموزش‌ها - همانند یکی از آن‌ها شدم، بلکه گویی بر اثر آن چه از تاریخشان به من رسیده، با همه‌ی آن‌ها از اوّل تا آخر بوده‌ام.

من همه‌ی این‌ها را بررسی کردم، سپس قسمت زلال و مصفای آن را از بخش کدر و تیره، بازشناختم و سود و زیانش را دانستم، آن‌گاه از میان تمام آن‌ها از هر امری گزیده‌اش را برای تو برگرفتم و از میان حادثه‌های زشت و زیبای آن‌ها، زیبایی‌اش را برای تو انتخاب نمودم و ناشناخته‌هایش را از تو دور کردم و همان‌گونه که یک پدر مهربان بهترین نیکی‌ها را برای فرزندش می‌خواهد و می‌پسندد، من نیز صلاح دیدم که تو را به این وسیله تربیت کنم و همت خود را بر آن گماشتم، چرا که در آغاز زندگانی قرار داری و تازه به روزگار روی آورده‌ای و دارای نیّتی سالم و روحی باصفا هستی.

### – روش تربیت فرزند

پس در آغاز تربیت تصمیم گرفتم تا کتاب خدا را همراه تفسیر و اصول و احکامش و حلال و حرام آن، به تو تعلیم دهم و تو را به سراغ چیزی غیر از آن که ممکن است منشأ گمراهی شود، نفرستم. سپس از این ترسیدم که آن‌چه بر مردم بر اثر پیروی هوا و هوس و عقاید باطل پوشیده شده و در آن اختلاف کرده‌اند، بر تو نیز نامعلوم و مشتبه گردد، لذا روشن ساختن این قسمت را بر خود لازم دانستم، هرچند مایل نبودم آن شبهات را آشکارا بیان کنم، ولی ذکر آن‌ها نزد من محبوب‌تر از آن بود که تو را تسلیم امری سازم که از هلاکت آن ایمن نباشم. امیدوارم خداوند تو را در طریق

رشد و صلاح، توفیق دهد و به راهی که در خورِ توسست هدایت کند، به همین دلیل این وصیتم را برای تو بیان کردم.

پسرم! بدان محبوب‌ترین چیزی که از میان این سفارش‌ها باید به آن تمسک جویی، تقوا و پرهیزکاری است و اکتفا به آن چه خداوند بر تو واجب و لازم شمرده است و حرکت در راهی است که پدران در گذشته آن را پیموده‌اند و صالحان از خاندانت از آن راه رفته‌اند، زیرا همان‌گونه که تو درباره‌ی خویش نظر می‌کنی، آن‌ها نیز درباره‌ی خود نظر کرده‌اند و آن‌گونه که تو برای صلاح خویشتن می‌اندیشی، آن‌ها نیز می‌اندیشیدند. با این تفاوت که آن‌ها تجارب خود را برای تو به یادگار گذاشته‌اند. سرانجام فکر و اندیشه، آن‌ها را به جایی رسانید که آن‌چه را به خوبی شناخته‌اند، انتخاب کنند و آن‌چه را که مبهم است و به آن تکلیف ندارند، رها سازند. اگر روح و جان تو از قبول آن ابا دارد و می‌خواهی تا خودت آگاه شوی و سپس اقدام کنی، می‌بایست از طریق صحیح این مسیر را بپیمایی و باید این خواسته با فهم و دقت و آموزش باشد، نه از طریق فرو رفتن در شبهات و تمسک جستن به دشمنی‌ها و خصومت‌ها. اضافه بر این، پیش از آن‌که بخواهی در راه پاکان گام برداری از خداوند بزرگ استعانت بجوی و برای توفیق و بهره‌مندی، رغبت و میل نشان بده و از هر گونه عاملی که موجب خلل در افکار تو شود، یا تو را به شبهه‌ای افکند، یا تسلیم گمراهی کند، پرهیز.



پسرم! هرگاه یقین کردی قلب و روح صفا یافته و در برابر حق خاضع شده و اندیشه‌ات به کمال پیوسته و کامل گردیده است و تصمیم تو در این باره تصمیم واحدی گشته و از هر چه غیر از آن است صرف نظر کرده‌ای، در این صورت به آن چه برای تو در این وصیت‌نامه توضیح داده‌ام، دقت کن تا نتیجه مطلوب را بگیری. ولی اگر آن چه را در این زمینه دوست می‌داری، برایت فراهم نشد و آسودگی فکر و آمادگی اندیشه حاصل نکردی، بدان در طریقی گام می‌گذاری که همچون شتری که چشمانش ضعیف است به سوی پرتگاه پیش می‌روی و در میان تاریکی‌ها غوطه‌ور می‌شوی و کسی که گرفتار اشتباه و خلط حق با باطل است، نمی‌تواند طالب دین باشد و با این حال اگر وارد این مرحله نشوی، بهتر است.

### – ضرورت توجه به معنویات

پسرم! در وصیت من درست بیندیش و دقت نما. بدان مالک مرگ، همان مالک حیات است. و آفریننده، همان کسی است که می‌میراند. و فانی‌کننده، همان است که جهان را از نو نظام می‌بخشد. و بیماری‌دهنده، همان شفابخش است. و دنیا پابرجا نمی‌ماند مگر همان گونه که خداوند آن را قرار داده است، گاهی نعمت، گاهی گرفتاری و سرانجام پاداش در روز رستاخیر. یا آن چه او از کیفی‌های دنیوی خواسته و تو نمی‌دانی.

پسرم! اگر درباره ی فهم این امور و حوادث روزگار مشکلی برای تو پیش آمد، آن را بر نادانی و عدم آگاهی خود ارتباط بده و زبان به اعتراض ننگشای، زیرا تو در آغاز خلقت، جاهل و نادان بودی و سپس عالم و آگاه شدی و چه بسیار است اموری که هنوز نمی دانی و اندیشه ات در آن متحیر و چشمت در آن خطا می کند، اما پس از مدتی آن را می بینی و از حکمت آن آگاه می شوی. بنابراین فقط به آن کس که تو را آفریده و روزی داده و آفرینش تو را نظام بخشیده، متوسل شو و تمسک بجوی، و تنها او را پرستش کن و رغبت و محبت تو، تنها به او باشد و تنها از مخالفت با او بترس.

پسرم! بدان هیچ کس از خدا همچون پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - خبر نیاورده است و احکام خدا را همانند او بیان نکرده است، بنابراین او را به عنوان رهبر خود بپذیر و در طریق نجات و رستگاری، وی را راهنما و الگوی خویش انتخاب کن. همانا من از هیچ لندری درباره ی تو کوتاهی نکردم و تو هر قدر برای آگاهی از صلاح و مصلحت خویش کوشش کنی، به آن اندازه که من درباره ی تو تشخیص داده ام، نخواهی رسید.

پسرم! بدان اگر پروردگار شریکی داشت، رسولان او به سوی تو می آمدند و آثار قدرت و حکومتش را می دیدی و افعال و صفاتش را می شناختی، ولی او خداوندی یگانه است، همان گونه که خودش را به این صفت توصیف کرده است. هیچ کس در مملکتش با او

ضدیت نمی‌کند و هرگز نابودشدنی نیست و همواره بوده است. او سرسلسله‌ی هستی است، بی‌آن‌که آغازی داشته باشد و آخرین آن‌هاست، بی‌آن‌که پایانی برایش تصور شود.

خدا بزرگ‌تر از آن است که ربوبیت و عظمتش در احاطه فکر یا چشم قرار گیرد. وقتی که این حقیقت را درک کردی، آن‌طوری که شایسته‌ی افرادی مثل تو است، با ارزشی کم، قدرتی اندک، ناتوانی زیاد و نیاز شدید به پروردگار، در راه اطاعت و فرمانبرداری او و ترس از کیفرش و بیم از خشمش انجام وظیفه کن، زیرا خدا تو را به نیکی و نیکوکاری فرمان داده است و از بدی و زشتی نهی نموده است.

### - ضرورت آخرت‌گرایی

فرزندم! من تو را از دنیا و حالات آن و نابودی و دگرگونیش آگاه ساختم و از آخرت و آنچه برای اهلش در آن مهیا شده، مطلع کردم و درباره‌ی هر دو برایت مثال‌هایی زدم، تا به وسیله‌ی آن عبرت‌گیری و در راه صحیح گام برداری.

همانا داستان کسانی که دنیا را خوب آزموده‌اند، همچون مسافرانی هستند که در منزلگاهی بی‌آب و آبادی و دشوار وارد شده‌اند، که قابل زیستن و ماندن نیست، لذا تصمیم گرفته‌اند به سوی منزلی پر نعمت و ناحیه‌ای راحت، برای زیستن حرکت کنند، از این رو

آن‌ها برای رسیدن به آن منزل سختی راه را متحمل شده و جدایی دوستان را پذیرفته‌اند و خشونت‌ها و سختی‌های سفر و غذاهای ناگوار را با جان و دل قبول نموده‌اند تا به خلنه وسیع و منزلگاه آرامشان گام نهند. به همین دلیل آن‌ها از هیچ یک از این ناراحتی‌ها احساس درد و رنج نمی‌کنند و هزینه‌هایی را که در این طریق می‌پردازند، از آن ضرر نمی‌بینند و هیچ چیز برای آن‌ها محبوب‌تر از آن نیست که ایشان را به منزلگاه خود نزدیک و به محل آرامشان برساند.

اما داستان کسانی که به دنیا مغرور شده‌اند، همانند مسافرانی هستند که در منزلی پر نعمت قرار داشته، سپس به آن‌ها خبر می‌دهند که باید به سوی منزلگاهی خشک و خالی از نعمت حرکت کنند، روشن است که نزد آنان چیزی ناخوشایندتر و مصیبت‌بارتر از جدایی از جایگاهی که در آن بوده‌اند و حرکت به سوی آن‌چه که باید به سمت آن بروند و سرنوشتی که در پیش دارند، نیست.

### - معیارهای روابط اجتماعی

پسرم! خوبستن را معیار و مقیاس قضاوت میان خود و دیگران قرار بده. برای دیگران چیزی را دوست بدار که برای خود دوست می‌داری و برای آن‌ها نپسند آن‌چه را برای خود نمی‌پسندی. به دیگران ستم نکن، همان‌گونه که دوست نداری به تو ستم شود. به دیگران نیکی کن چنان که دوست داری به تو نیکی شود. آن‌چه

را برای دیگران زشت می‌داری، برای خودت نیز زشت شمار و چیزی را برای مردم رضایت بده، که برای خود از سوی آنان می‌پسندی. آن چه را که نمی‌دانی نگو، اگر چه آن چه می‌دانی اندک باشد، و آن چه را دوست نداری درباره تو بگویند و یا به تو نسبت دهند، درباره‌ی دیگران نگو و نسبت نده.

پسرم! بدان که خودپسندی و غرور، مخالف راستی و درست اندیشی و آفت عقل است، پس برای تأمین زندگی، نهایت تلاش و کوشش را داشته باش و از آن چه به دست می‌آوری در راه خدا انفاق کن و انباردار دیگران مباش. آن گاه که به لطف الهی به راه راست هدایت شدی، شکر پروردگارت را فراموش نکن و در برابر او کاملاً خاضع و خاشع باش.

### – تلاش در جمع‌آوری زاد و توشه

فرزندم! بدان راهی بس طولانی و پرمشقت در پیش رو داری. در این راه پرخوف و خطر از کوشش و تلاش صحیح و فراوان و توشه کافی که تو را به مقصد برساند بی‌نیاز نیستی، به علاوه باید در این راه سبکبار باشی، تا بتوانی به مقصد بررسی، بنابراین بیش از حد توانت مسئولیت اموال دنیا را بر دوش نگیری، زیرا سنگینی آن مایه‌ی مشقت و عذاب‌آور خواهد بود. در زمانی که قدرت داری، اگر نیازمندی را دیدی که می‌تواند زاد و توشه تو را برای روز رستاخیز و قیامت بر دوش گیرد و فردا که به آن نیازمند می‌شوی به تو

باز پس گرداند، آن را غنیمت بشمار و هر چه زودتر و بیشتر، این زاد و توشه را بر دوش او بگذار، زیرا ممکن است روزی در جستجوی چنین شخصی برآیی و پیدایش نکنی. هم‌چنین اگر کسی را پیدا کنی که در حال بی‌نیازیت از تو وام بگیرد و ادای آن را برای روز سختی و تنگدستی تو بگذارد، آن را غنیمت بشمار!

فرزندم! بدان که پیش روی تو گردنه سخت و صعب‌العبوری هست که حال سبکباران برای عبور از آن، از سنگین باران بهتر است، و آن که گُند و آهسته رود، وضعشان بسیار بدتر از شتاب‌کنندگان است و بدان که سرانجام و پایان حرکت بعد از عبور از آن گردنه، به یقین یا در بهشت است و یا در دوزخ، بنابراین پیش از ورودت در آن‌جا، وسایل لازم را برای خویش مهیا ساز و جایگاه خود را پیش از آمدنت، آماده کن، زیرا پس از مرگ عذری پذیرفته نمی‌شود و راهی برای بازگشت به دنیا و جبران گذشته وجود ندارد.

### – نشانه‌های رحمت الهی

فرزندم! بدان خدایی که گنج‌های آسمان‌ها و زمین در دست اوست، به تو اجازه دعا و درخواست را داده و اجابت آن را تضمین نموده است، به تو فرمان داده که از او بخواهی تا عطایت کند و از او درخواست رحمت کنی تا رحمتش را شامل حال تو گرداند. خداوند میان تو و خودش، کسی را قرار نداده تا حجاب و فاصله ایجاد کند

و تو را مجبور نساخته که به شفיעی پناه ببری و در صورتی که مرتکب گناهی شدی، خداوند درهای توبه را به رویت نبسته است. خداوند در کیفر گناه تو شتاب و عجله نکرده است و آن را به موجب این که ممکن است توبه کنی به تأخیر انداخته است. هرگز تو را به سبب توبه و پشیمانی از گناه، سرزنش نمی‌کند و حتی در آن جا که رسوایی سزاوار توست، تو را رسوا نساخته است و در قبول توبه و بازگشت به خویش بر تو سخت نگرفته است و در محاسبه جرایم تو دقت و موشکافی نکرده، بلکه به آسانی از آن گذشته است.

او هیچ‌گاه تو را از رحمتش مأیوس نساخته، بلکه بازگشت تو را از گناه، نیک شمرده است و از آن مهم‌تر این که هر گناه را یکی محاسبه می‌کند، ولی هر نیکی را ده برابر پاداش می‌دهد و در توبه و بازگشت و عذرخواهی را همیشه به رویت باز نگه داشته است، به گونه‌ای که هر زمان او را ندا کنی ندای تو را می‌شنود و هرگاه با او راز دل گویی، آن را می‌داند. بنابراین حاجت خود را از او بخواه و آنچه در دل داری، نزد او بازگو کن و غم و اندوه خود را در پیشگاه او مطرح کن، تا دردها و رنج‌های تو را برطرف کند و در مشکلات تو را یاری رساند.

**– شرایط اجابت دعا**

و از گنجینه‌های رحمتش چیزهایی را درخواست کن که جز او کسی قادر به اعطای آن نیست، مانند: عمر بیشتر، تندرستی بدن و گشایش وسعت در رزق و روزی. سپس خداوند کلیدهای گنجینه‌های خود را، با اجازه‌ای که به تو درباره‌ی درخواست از او عطا کرده، در دست تو قرار داده است، پس هرگاه اراده کردی می‌توانی به وسیله‌ی دعا، درهای نعمت پروردگار را بگشایی و باران رحمت او را فرود آوری.

پسرم! هرگز نباید تأخیر اجابت دعا، تو را مأیوس کند، زیرا بخشش پروردگار به اندازه نیت بندگان است. گاه می‌شود که اجابت دعا به تأخیر می‌افتد، تا اجر و پاداش درخواست‌کننده بیشتر گردد و عطای آرزومندان را افزون‌تر کند و گاه می‌شود چیزی را از خدا می‌خواهی و به تو نمی‌دهد، در حالی که بهتر از آن در کوتاه مدت یا دراز مدت به تو داده خواهد شد، یا آن را به چیزی که برای تو بهتر از آن است تبدیل می‌کند. زیرا گاه چیزی از خدا می‌خواهی که اگر به آن برسی، مایه‌ی هلاک دین توست و خداوند آن را از تو دریغ می‌دارد و چیزی بهتر از آن به تو می‌دهد. بنابراین باید تقاضای تو از خدا همیشه چیزی باشد، که جمال و زیبایی‌اش برای تو باقی بماند و رنج و سختی را از تو دور کند. پس نه مال دنیا برای تو باقی می‌ماند و نه تو برای دنیا باقی خواهی ماند.



## - ضرورت یاد مرگ

پسرم! بدان تو برای آخرت آفریده شده‌ای نه برای دنیا، برای رفتن از دنیا نه برای ماندن در این جهان، برای مرگ نه برای زندگی جاودانه در این دنیا. تو در منزلگاهی قرار داری، که هر لحظه ممکن است از آن کوچ کنی، در سرایبی که باید زاد و توشه از آن برگیری، و راه آخرتِ توست. و آگاه باش که تو رانده شده مرگ هستی و مرگ پیوسته در تعقیب توست و سرانجام تو را شکار خواهد کرد، همان مرگی که هرگز فرار کننده‌ای از آن نجات نمی‌یابد و هر کس را او در جستجویش باشد، از دست نمی‌دهد و سرانجام وی را خواهد گرفت، بنابراین از این بترس که مرگ زمانی تو را بگیرد، که در حال گناه باشی، در صورتی که تو پیش از فرا رسیدن مرگ با خویشتن گفتگو می‌کردی که توبه کنی، ولی مرگ میان تو و توبه فاصله می‌اندازد و این جاست که خویشتن را به هلاکت افکنده‌ای.

پسرم! بسیار به یاد مرگ باش و به یاد آنچه به سوی آن می‌روی و پس از مرگ در آن قرار می‌گیری، به گونه‌ای که هرگاه مرگ به سراغ تو آید، تو از هر نظر آماده باشی و دامن همت را در برابر آن به کمر بسته باشی. نکند ناگهان بر تو وارد شود و مغلوبت سازد.

پسرم! سخت بر حذر باش که دلبستگی‌ها و علاقه شدید دنیاپرستان به دنیا و حمله حریصانه آن‌ها به دنیا، تو را نفریبد و مغرور نسازد، زیرا خداوند تو را از وضع دنیا آگاه ساخته و نیز دنیا

خودش از فنا و زوالش خبر داده و بدی‌هایش را برای تو آشکار ساخته است.

### - شناخت دنیاپرستان

جز این نیست که دنیاپرستان همچون سگ‌هایی هستند که پیوسته پارس می‌کنند و بر سر یکدیگر فریاد می‌کشند، یا هم‌چون درندگان که در پی دریدن یکدیگرند، در برابر یکدیگر می‌غرند، و زوزه می‌کشند، زورمندان، ضعیفان را می‌خورند و بزرگ‌ترها کوچک‌ترها را مغلوب می‌سازند. یا هم‌چون چهارپایانی هستند که دست و پایشان به وسیله مستکبران بسته شده و بردگان سرسپرده آن‌هایند.

و گروه دیگری هم‌چون حیواناتی هستند رها شده در بیابان شهوات عقل، که خود را گم کرده‌اند و راه‌های صحیح را از دست داده‌اند و در طرق مجهول و نامعلوم گام گذارده‌اند. آن‌ها هم‌چون حیواناتی هستند که در سرزمین پر از آفت‌ها رها شده‌اند و در سرزمین ناهمواری به راه افتاده‌اند، نه چوپانی دارند که آن‌ها را به راه صحیح هدایت کند و نه کسی که آن‌ها را به چراگاه مناسبی برساند، در حالی که دنیا آنان را در طریق نابینایی به راه انداخته و چشم‌هایشان را از دیدن نشانه‌های هدایت پوشانده است. در نتیجه در وادی حیرت سرگردانند و در نعمت‌ها و زرق و برق‌های دنیا غرق شده‌اند، دنیا را به عنوان معبود خود برگزیده، و دنیا نیز آن‌ها را به بازی

گرفته است و آن‌ها هم به بازی با دنیا سرگرم شده‌اند و آخرت را به فراموشی سپرده‌اند. آرام باش و کمی صبر کن که به زودی تاریکی برطرف می‌شود و حقیقت آشکار می‌گردد، گویا این مسافران، به منزل رسیده‌اند و پایان عمر را با چشم خود می‌بینند. نزدیک است کسی که سریع حرکت می‌کند به منزلگاه مرگ برسد.

پسرم! بدان، آن کس که مَرکبش شب و روز آماده است، او را می‌برند و در حرکت است، هر چند خود را ساکن پندارد و همواره راه می‌پیماید، گرچه ظاهراً ایستاده است و استراحت می‌کند.

### – ضرورت واقع‌نگری در زندگی

پسرم! به یقین بدان هرگز به همه‌ی آرزوهایت دست نخواهی یافت و تا زمان مرگ بیشتر زندگی نخواهی کرد و تو در همان مسیری هستی که پیشینیان تو بودند، آن‌ها رفتند و تو هم خواهی رفت. حال که چنین است، در به دست آوردن دنیا زیاده‌روی نکن و در کسب و کار میانه‌رو باش، زیرا بسیار دیده شده که تلاش فراوان در راه دنیا، به نابودی منجر گردیده است. نه هر تلاشگری به روزی رسیده و نه هر شخص میانه‌روی محروم گشته است. نفس خویشتن را از گرایش به هر پستی بازدار، هر چند گرایش به پستی‌ها تو را به خواسته‌هایت برساند، زیرا تو هرگز نمی‌توانی در برابر آنچه از شخصیت خود در این راه از دست می‌دهی، بهای مناسبی به دست آوری. و برده دیگری مباش، خداوند تو را آزاد

آفریده است. آن نیکی که جز از طریق بدی به دست نیاید، نیکی نیست. و آن راحتی که با سختی‌های فراوان به دست آید، آسایش نخواهد بود.

بپرهیز از این که مرکب‌های طمع، تو را با سرعت با خود ببرند و تو را به سوی هلاکت بیندازند و اگر بتوانی که میان تو و خداوندت، صاحب نعمتی واسطه نباشد، چنین کن، زیرا تو قسمت خود را دریافت می‌کنی و سهمت را خواهی گرفت و مقدار کمی که از سوی خداوند به تو برسد، با ارزش‌تر است از مقدار زیادی که از سوی مخلوقش برسد، هر چند همه‌ی نعمت‌ها، حتی آن چه از سوی مخلوق می‌رسد، از ناحیه‌ی خداست.

فرزندم! جبران آن چه بر اثر سکوت خود از دست داده‌ای آسان‌تر از جبران آن است که بر اثر سخن گفتن از دست می‌رود، و نگه داری آن چه در ظرف است با محکم بستن دهانه آن امکان‌پذیر است. و حفظ آن چه در دست داری، نزد من محبوب‌تر از درخواست چیزی است که در دست دیگری است. تلخی یأس و ناامیدی از آن چه در دست مردم است، بهتر از دراز کردن دست تقاضا به سوی آن‌هاست و درآمد اندک، همراه با پاکی و درستکاری بهتر از ثروت فراوان توأم با فجور و گناه است.

انسان اسرار خویش را بهتر از هر کس دیگر نگه‌داری می‌کند و بسیاری کسانانی که بر زیان و ضرر خود تلاش می‌کنند.

کسی که پرحرفی کند سخنان ناروا و بی‌معنا فراوان می‌گوید. هر کس اندیشه خود را به کار گیرد، حقایق را می‌بیند و راه صحیح را انتخاب می‌کند. به نیکوکاران و اهل خیر نزدیک شو تا از آن‌ها شوی و از بدکاران و اهل شر دور شو، تا از آن‌ها جدا گردی.

بدترین غذاها غذای حرام است. و ستم بر ناتوان زشت‌ترین ستم‌هاست. در آن‌جا که رفق و مدارا، خشونت به حساب آید به جای مدارا کردن، خشونت داشته باش. چه بسا داروها سبب بیماری گردد و چه بسا بیماری‌هایی که داروی انسان است، گاه کسانی که اهل اندرز نیستند، اندرزی می‌دهند و به آن کس که اهل اندرز است و از او نصیحت خواسته شده، خیانت می‌کند.

از تکیه کردن بر آرزوها برحذر باش، که سرمایه احمق‌ها است. حفظ و نگهداری عقل، پند گرفتن از تجربه‌هاست و بهترین تجربه‌های تو آن است که به تو اندرز آموزد، فرصت را پیش از آن‌که از دست برود و مایه اندوه گردد، غنیمت بشمار. نه هرکس طالب چیزی باشد به خواسته‌اش می‌رسد و نه هرکس که از نظر پنهان شد، باز می‌گردد. تباہ کردن زاد و توشه آخرت نوعی فساد است. هر کاری سرانجام و پایانی دارد و باید مراقب سرانجام آن بود. آن‌چه برایت مقدر شده به زودی به تو خواهد رسید.

هر بازرگانی خود را به مخاطره می‌اندازد. همواره دنبال فزونی  
مباش. زیرا چه بسا سرمایه کم، از سرمایه زیاد پربرکت‌تر و رشدش  
بیشتر است.

نه در یاری دادن انسان پست خیری است و نه در دوست‌متمهم  
فایده‌ای. تا روزگار در اختیار توست به آسانی از آن بهره‌گیر و  
هیچ‌گاه نعمتی را که داری، برای آن که بیشتر به دست آوری به  
خطر مینداز. از سوار شدن بر مرکب سرکش لجاجت برحذر باش،  
که تو را بیچاره می‌کند.

### – حقوق دوستان

فرزندم! در مقابل برادر دینی خود، به هنگام قطع رابطه از ناحیه او،  
تو پیوند برقرار نما و در زمان قهر و دوریش به او نزدیک شو، و  
چون بخل ورزید تو بخشنده باش و به هنگامی که دوری می‌گزیند،  
تو نزدیکی اختیار کن، به هنگام سخت‌گیری تو نرم باش و آسان  
بگیر و به هنگام جرم و گناهش، عذرش را بپذیر، آن‌گونه که گویا  
تو بنده او هستی و او صاحب نعمت توست. مبدا این دستورات را با  
غیر دوستان انجام دهی، یا درباره کسانی که سزاوار آن نیستند به  
کار ببندی. هرگز دشمن دوست خود را به دوستی مگیر، که با این  
کار به دشمنی با دوست خود برخاسته‌ای. در پند دادن و نصیحت  
خالصانه دوست خود بکوش، خواه این نصیحت برای او زیبا  
و خوشایند باشد، یا زشت و ناراحت‌کننده باشد.

خشم خود را جرعه جرعه فرو بر، که من جرعه‌ای شیرین‌تر و خوش عاقبت‌تر و لذت‌بخش‌تر از آن ندیدم. با کسی که نسبت به تو با خشونت رفتار می‌کند نرمی کن، که امید می‌رود به زودی در برابر تو نرم شود. با دشمن خود با بخشش و کرم رفتار کن، که در این صورت از میان دو پیروزی (پیروزی از طریق خشونت و پیروزی از طریق محبت) شیرین‌ترین را برگزیده‌ای.

اگر خواستی پیوند برادری و رفاقت را قطع کنی، جایی برای آشتی بگذار، که اگر روزی خواست بازگردد، بتواند. کسی که درباره تو گمان نیکی ببرد، با عمل خود گمانش را تصدیق کن.

هیچ‌گاه به اعتماد رفاقت و یگانگی که میان تو و برادرت برقرار است، حق او را ضایع مکن، زیرا آن کس که حقش را ضایع کنی برادر تو نخواهد بود. نباید خانواده تو بدبخت‌ترین و ناراحت‌ترین افراد در برابر تو باشند. به کسی که به تو علاقه ندارد و بی‌اعتنایی یا تحقیر می‌کند، اظهار علاقه مکن. مبادا برادرت برای قطع پیوند دوستی با تو، دلیلی محکم‌تر از برقراری پیوند با تو داشته باشد و یا در بدی کردن بهانه‌ای قوی‌تر از نیکی کردن تو بیاورد. ستمکاری کسی که بر تو ظلم و ستم می‌کند در دیده‌ات بزرگ جلوه نکند. زیرا او در واقع به زیان خود و سود تو کوشش دارد، در واقع بار گناه خود را سنگین می‌کند و ثواب و پاداش تو را افزون می‌سازد. و

پاداش کسی که تو را خوشحال می کند این نیست که به او بدی کنی.

### - ارزش های اخلاقی

پسر! بدان که رزق و روزی بر دو گونه است: یک نوع آن است که به جستجوی آن باید برخیزی و نوع دیگر آن که او به سراغ تو خواهد آمد، حتی اگر به دنبالش نروی، خود به دنبال تو می آید.

چه زشت است خضوع و فروتنی در برابر دیگران به هنگام نیاز، و ستمکاری و خشونت به هنگام بی نیازی و توانگری. تنها از دنیا آن قدر مال تو خواهد بود که با آن سرای آخرت را اصلاح کنی و اگر قرار است برای چیزی که از دست رفته ناراحت شوی و بی تابی کنی، پس برای هر چیزی که به تو نرسیده، نیز نگران و ناراحت باش.

با آن چه در گذشته دیده یا شنیده ای، برای آن چه که هنوز نیامده، استدلال کن؛ زیرا امور جهان همانند یکدیگرند. از کسانی مباش که پند و اندرز، مگر با آزردن فراوان به آنها سودی نمی بخشد. چرا که عاقلان با لندرز و آداب پند می گیرند، ولی چهارپلیان جز با زدن اندرز نمی گیرند.

با نیروی صبر و نیکویی یقین، هجوم لندوه و غمها را از خود دور ساز. کسی که میانه روی را ترک کند، از راه حق منحرف می شود.



بدان یار و همنشین خوب، هم‌چون خویشاوند انسان است. دوست، آن است که در غیاب انسان، حق دوستی را ادا کند. هواپرستی، شریک نابینایی است؛ چه بسا دورافتادگانی که از خویشاوندان نزدیک‌تر و خویشاوندانی که از هر کس دورترند. غریب کسی است که دوستی نداشته باشد. آن کس که از حق تجاوز کند، در تنگنا قرار می‌گیرد. و آن کس که به ارزش و منزلت خود اکتفا نماید، موقعیت و حرمتش پایدارتر خواهد بود.

مطمئن‌ترین و استوارترین وسیله‌ای که می‌توانی به آن چنگ زنی، رشته‌ای است که میان تو و خدایت رابطه برقرار سازد. کسی که به کار و حق تو اهمیت نمی‌دهد، در واقع دشمن توست. گاه، نومییدی خود نوعی رسیدن به مقصد است، در آنجا که طمع موجب هلاکت می‌شود.

چنان نیست که هر عیب پنهانی آشکار شود و هر فرصتی مورد استفاده قرار نگیرد. گاه می‌شود که شخص بینا به خطا می‌رود و نابینا به مقصد می‌رسد.

پسرم! بدی را به تأخیر بیفکن و در آن عجله مکن، زیرا هر زمان بخواهی می‌توانی انجام دهی. بریدن از جاهل معادل پیوند با عاقل است. کسی که خود را از حوادث و نیرنگ زمانه ایمن بداند، زمانه به او خیانت خواهد کرد و کسی که آن را بزرگ بشمارد، او را خوار می‌سازد. چنین نیست که هر تیراندازی به هدف بزند.

هرگاه حاکم و اندیشه‌ی سلطان تغییر پیدا کند، زمانه نیز دگرگون می‌شود. پیش از عزم سفر، پرس که همسفرت کیست و پیش از انتخاب خانه، بنگر که همسایه‌ات چه کسی است. از گفتن سخنان خنده‌آور و بی‌محتوا دوری کن، هر چند آن را از دیگری نقل کنی.

### - جایگاه زن و فرهنگ پرهیز

از مشاوره با زنان کم خرد بهره‌یز، که رأیشان زود سست می‌شود و تصمیم‌شان ناپایدار است. و از طریق حجاب و پوشش، دیده‌ی آن‌ها را از دیدن مردان بیگانه بازدار، زیرا تأکید بر پوشش و حجاب، آن‌ها را سالم‌تر و پاک‌تر نگاه خواهد داشت. افراد غیرمطمئن را بر آن‌ها وارد نکن، زیرا بیرون رفتن آنان بدتر از آن نیست که افراد غیرمطمئن را به آن‌ها راه دهی. اگر بتوانی که آنان غیر از تو، مردان بیگانه دیگری را نشناسند، چنین کن و کاری که بیش از توانایی زن است به او واگذار نکن، زیرا زن همچون شاخه گل است، نه قهرمانی سخت کوش. به خاطر احترام او، بیگانه‌ای را احترام مکن و احترامش را به حدی نگه‌دار که او را به این فکر نیندازد که برای بیگانگان شفاعت کند. برحذر باش از اینکه در جایی که نباید غیرت به خرج دهی، اظهار غیرت کنی و کار تو به سوءظن ناروا بینجامد. زیرا این غیرت بی‌جا و سوءظن نادرست، زن پاکدامن را به ناپاکی، و بی‌گناه را به آلودگی‌ها سوق می‌دهد.

پسرم! کار هر یک از خدمتکارانت را معین کن، که او را در برابر آن کار مسئول بدانی. زیرا تقسیم درست کار سبب می‌شود که آن‌ها کارهای تو را به یکدیگر واگذار نکنند و از زیر بار مسئولیت شانه‌تهی ننمایند.

خویشاوندانت را گرمی دار، زیرا آن‌ها پر و بال تو می‌باشند، که به وسیله آن‌ها پرواز می‌کنی و اصل و ریشه‌ی تو هستند که به آن‌ها باز می‌گردد و دست و نیروی تو می‌باشند، که با آن به دشمن حمله می‌کنی.

### - سخن آخر

پسرم! دین و دنیایت را به خدا می‌سپارم و از او بهترین سرنوشت را هم برای امروز و هم برای فردا، هم در این دنیا و هم در جهان آخرت، برایت طلب می‌کنم. بدرود.

## بخش دوم

وصیت‌نامه‌ی امام علی (ع) به فرزندانش

(ترجمه‌ی نامه‌ی ۴۷ نهج البلاغه)

شما را به انجام واجبات و ترک محرمات الهی سفارش می‌کنم، به دل‌بستگی دنیا روی نیاورید، هر چند که او به سراغ شما بیاید و شما را بجوید، و بر آنچه در دنیا از دست می‌دهید لندوهناک نباشید، سخن حق را بگویید، و برای دریافت پاداش الهی عمل کنید و دشمن ستمگر و یار و یاور ستم‌دیده باشید.

شما را، و تمام فرزندان و خاندانم را، و کسانی که این وصیت به آن‌ها می‌رسد، به تقوای الهی و ترس از خدا، و نظم در امور زندگی، و ایجاد صلح و آشتی در میان‌تان سفارش می‌کنم، زیرا من از جدّ شما پیامبر - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ - شنیدم که می‌فرمود: «اصلاح دادن بین مردم از نماز و روزه‌ی یک سال برتر است».

خدا را، خدا را درباره‌ی یتیمان، نکند آنان گاهی سیر و گاه گرسنه بمانند، و حقوقشان ضایع گردد.

خدا را، خدا را درباره‌ی همسایگان، حقوقشان را رعایت کنید که وصیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ شماست، همواره به خوش رفتاری با همسایگان سفارش می‌کرد، تا آن‌جا که گمان بردیم برای آنان ارثی معین خواهد کرد.

خدا را، خدا را در باره‌ی قرآن، مبادا دیگران در عمل کردن به آن از شما پیشی گیرند.

خدا را، خدا را در باره‌ی نماز، چرا که ستون دین شماست.

خدا را ، خدا را در باره‌ی خانه خدا، (مکه معظمه) تا هستید آن را خالی مگذارید، زیرا اگر کعبه خلوت شود، از کیفر الهی مهلت داده نمی‌شوید.

خدا را، خدا را در باره‌ی جهاد با اموال و جان‌ها و زبان‌های خویش در راه خدا.

بر شما باد به پیوستن و دوستی با یکدیگر، و بخشش همدیگر، مبادا از هم روی گردانید، و پیوند دوستی را از بین ببرید. امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید، که بدهای شما بر شما مسلط می‌گردند، و آن‌گاه هر چه خدا را بخوانید و دعا کنید، خدا به دعای شما جواب ندهد.

سپس فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب، مبادا پس از من دست به خون مسلمین فرو برید و دست به کشتار بزنید و بگویید، امیرمؤمنان کشته شده است، بدانید جز کشته‌ی من کسی دیگر نباید کشته شود. درست بنگرید اگر من از ضربت او از دنیا رفتم، او را تنها یک ضربت بزنید، و دست و پا و دیگر اعضای او را نبرید، من از رسول خدا - صلی‌الله علیه و آله و سلم - شنیدم که فرمود: « پرهیزید از بریدن اعضای مرده، هر چند سگ دیوانه باشد. »

## بخش سوم

نمونه‌ی سوال برای برگزاری مسابقه‌ی

« کتاب نامه‌ی مهر »

باسمه تعالی

نمونه‌ی سوال مسابقه‌ی «کتاب نامه‌ی مهر»

۱- مطمئن‌ترین وسیله برای ارتباط انسان با خدا چیست؟

الف) حَبَلِ اللَّهِ

ب) اقامه‌ی نماز

ج) یاد مرگ

۲- چگونه می‌توان قلب خویش را زنده نگاه داشت؟

الف) با ایمان و یقین

ب) با دانش و حکمت

ج) با موعظه و نصیحت

۳- امام علی (ع) اولین قدم برای تربیت فرزندش را از کجا آغاز کردند؟

الف) آشنایی با گذشتگان

ب) تعلیم کتاب خدا

ج) شناخت دنیاپرستان

۴- در کلام امام علی (ع) محبوب‌ترین عمل در میان سفارش‌ها، کدام عمل است؟

الف) تقوا و پرهیزکاری

ب) انتخاب دوست خوب

ج) صبر و بردباری

۵- چگونه می‌توان درهای نعمت پروردگار را به روی خود گشود و از رحمت او بهره

برد؟

الف) با جهاد در راه او

ب) با دعا کردن

ج) با انفاق به مستمندان



۶- از نظر امام علی (ع) کدام جرعه شیرین تر و خوش عاقبت تر و لذت بخش تر است؟

- الف) بدست آوردن روزی حلال
- ب) خوردن روزی حلال
- ج) فرو بردن خشم

۷- امام علی (ع) خویشتانان را به چه چیزی تشبیه کرده‌اند؟

- الف) بال و پر، و اصل و ریشه
- ب) دست و نیرو
- ج) همه موارد ذکر شده

۸- کدام عمل سبب گفتار ناروا و بی‌معنای فراوان می‌شود؟

- الف) تکیه بر آرزوها
- ب) پرحرفی
- ج) خشونت و سبک‌مغزی

۹- بنا به فرموده‌ی پیامبر(ص) کدام عمل از نماز و روزه‌ی یک سال برتر است؟

- الف) آشتی‌دادن بین مردم
- ب) خالی نگذاشتن خانه‌ی خدا
- ج) رعایت حقوق همسایگان

۱۰- ترک کدام عمل سبب می‌شود انسان‌های بد بر نیکان مسلط شوند؟

- الف) ترک اقامه‌ی نماز
- ب) ضایع کردن حق یتیمان
- ج) امر به معروف و نهی از منکر

## منابع و مأخذ

- ۱- جعفری، محمدتقی. (۱۳۸۰). ترجمه نهج البلاغه. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۲- دشتی، محمد. (۱۳۵۸). ترجمه نهج البلاغه. تهران: ستاد اقامه نماز.
- ۳- زمانی، مصطفی. (۱۳۶۰). ترجمه و شرح نهج البلاغه. جلد سوم. قم: انتشارات پیام ایلام.
- ۴- فولادوند، محمدمهدی. (۱۳۸۷). ترجمه نهج البلاغه. قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
- ۵- مکارم شیرازی، ناصر. نامه امام علی(ع) به فرزندش امام حسن (ع). تارنمای [fa.wikishia.net](http://fa.wikishia.net)





و هر فرزانه انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای می فرماید:  
ما مثل آن بیماری هستیم که نسخه کامل از یک طبیب حاذق  
در جیب خود، یا در طاقچه اتاق خود دارد، اما در عین حال  
لای آن نسخه را باز نمی کند و به آن عمل نمی کند و از آن  
بیماری دائماً رنج می برد. قرن های متعددی، نهج البلاغه را  
داشتیم، اما از آن استفاده نکردیم و از معارف آن بهره نبردیم و  
بیماری های فردی و اجتماعی خود را برای خودمان نگه  
داشتیم. این آن ناسف و السوس بزرگی است که هر کس با  
نهج البلاغه آشنا شود، در دلش جا خواهد گرفت.



مرکز مطالعه و پژوهش  
تحقیقات انقلاب اسلامی  
توسان

ISBN 964-350-075-1



9 789640 350075